

طرح و اندیشه وحدت، مسئله فقهی و حقوقی است و روش بحث آن نیز روش فقهی و حقوقی است و به کار گرفتن روش‌های کلامی در آن از خطاهای فاحش و راهبردی است. یکی از خطاهای راهبردی در موضوع وحدت، به کارگیری روش کلامی و نتیجه‌گیری فقهی است که نتیجه آن عدم اعتقاد به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب اسلامی و حکم به تکفیر دادن و مشرک و مهدورالدم دانستن طرف مقابل و سلب حقوق اجتماعی و سیاسی از اوست. هم‌چنین از روش فقهی نتیجه کلامی گرفتن از دیگر خطاهای راهبردی در مسئله است. آثار روش فقهی که همان حیات دنیوی است با آثار روش کلامی که حیات اخروی است تلازمی ندارد. در مسئله فقهی و حقوق اسلامی، بحث از تکلیف و وظفه ما در تعامل با پیروان مذاهب اسلامی است، اما در مسئله کلامی، بحث از حق و باطل و سعادت اخروی است. بعضی‌ها می‌خواهند از روش فقهی و حقوقی نتیجه بگیرند که اسلام جوهر اصیل، و مذاهب، اجتهادات امامان مذاهب و قرائت‌هایی از دین است. البته اگر مراد، مجزی بودن مذاهب در نحوه تعامل و قبول آنها در تعامل باشد مسئله و جواب آن فقهی و صحیح است، اما اگر مراد، حق بودن همه مذاهب باشد، این امر، نتیجه‌گیری کلامی از یک مبحث فقهی است که خطا بوده و اصول اعتقادی و کلامی شیعه چنین برداشتی را تجویز نمی‌نماید.

منابع و مأخذ

۱. امام خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ج ۱۳، ۹۶، ۵۸.
۲. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری.
۳. _____، مجموعه آثار، ج ۲۵.
۴. _____، یادداشت‌ها، ج ۱.



جریان‌های روشن‌فکرانه گروه‌های مسلمان اندونزی

دکتر سید میرصالح حسینی^۱

چکیده

اندونزی در جنوب شرقی آسیا کشوری مسلمان‌نشین است. این کشور به صورت مجمع‌الجزایری است که در امتداد هم پراکنده شده‌اند. مسلمانان این کشور شافعی مذهب‌اند و جهت‌رهایی از ظلم استعمارگران به سمت تشکیل نظام سیاسی جدیدی روی آوردند. اندونزی در سال ۱۹۴۵ میلادی به استقلال رسید و رهبران انقلابی این جزایر جریان‌های فکری زیادی را تجربه کردند.

در این نوشتار به تیپولوژی جریان‌های روشن‌فکری به وجود آمده در ابعاد مختلف برای گروه‌های مسلمان اندونزی، اشاره نموده و به جریان‌شناسی آن با مدل توصیفی خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: اندونزی، استعمار، جریان‌شناسی، تیپولوژی جریان‌ات روشن‌فکری.

اندونزی از چندین هزار جزیره (جاویدفر، بی‌تا، ص ۴۹) کوچک و بزرگ با وسعت تقریبی ۱/۹۵۷/۵۶۸ کیلومتر در جنوب شرقی آسیا واقع شده است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ص ۳۴۶؛ کاست بید و تامن، ۱۳۴۰، ص ۳۶۸ و یاوری، ۱۳۷۲، ص ۴۰). این کشور در تالاقی دو اقیانوس هند و آرام قرار گرفته و سواحل شمالی آن روبه‌روی تنگه مالاکا و دریای چین جنوبی می‌باشد. پایتخت اندونزی شهر جاکارتا است و سابقه تشکیل این شهر به قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی باز می‌گردد. (مظفری، ۱۳۷۲، ص ۶). وسعت این کشور بیشتر از نصف قاره اروپا و نیز بیشتر از مجموع کشورهای اسلامی مصر، عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و اردن است. (موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۳۴۷).

اندونزی دارای آب و هوای استوایی (حاره‌ای) دریایی و نیز دو فصل خشک و بارانی است. از مشخصات آن گرمای فراوان، باران زیاد، رطوبت دائمی و بادهای ملایم است و اختلاف فصل‌های آن از بیش از ۲ درجه تجاوز نمی‌کند. (پیشین، ص ۳۴۹). این کشور دارای رشته‌کوه‌ها و قله‌های

۱- عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه.

مرتفع بسیاری است که در بین آنها حدود چهارصد آتشفشان وجود دارد که یک چهارم آنها فعال است. فوران‌های آتشفشان هر چند یکبار مشکلاتی را برای ساکنین مجاور این کوه‌ها به وجود می‌آورد. (مظفری، پیشین، ص ۱۰). اندونزی به لحاظ قومی و نژادی، جامعه‌ای بسیار متنوع و متکثر بوده و فاقد یک گروه نژادی همگون است. با وجود این، بیشتر مردم از نژاد ملایو هستند.

دین رسمی مردم اندونزی اسلام است. سرشماری‌های دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که حدود ۹۴٪ جمعیت این کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند^۱ هم‌چنین ۵٪ جمعیت شامل مسیحیان و ۱٪ باقیمانده شامل ادیان دیگر می‌شود. مسلمانان اندونزی عمدتاً سنی و پیرو فرقه شافعی هستند ولی اسلام در این کشور به دو قسمت مشخص تقسیم شده است: یکی اسلامی که مسلمانان سانتری یا متعصب و مؤمن به آن معتقدند و دیگری اسلامی که مسلمانان آبانگان یا صوری و اسمی مدعی آن هستند.

سانتری‌ها به لحاظ اعتقاد شدید به ارکان پنج‌گانه اسلام و شریعت از دیگران ممتازند، در حالی که مسلمانان آبانگان طرفدار آمیزه‌ای از آئین‌ها، شعایر و مراسم روح‌گرایانه هندو و اسلامی به شمار می‌آیند. (موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۳۵۵).

در سنت تاریخی اندونزی، مذهب و دین با زندگی سیاسی و اجتماعی مردم آمیخته شده است و نمونه‌های آن ایالات هندونشین مثل «سری وی جایا» (sriwidjaya) و ماچاپاهیت (madjapahit) (ماچاپاهیت دارای یک امپراطوری در جاوه بوده است؛ ر.ک: برنارد ولک، ۱۳۷۴، ص ۹۵) است که حکومت آنان مذهبی بوده است. ابن بطوطه در سال ۱۳۴۵ میلادی از سامودرا عبور کرده و حاکم آن را پیرو مکتب فقهی شافعی معرفی می‌کند. (موحد، ص ۲۷۷).

اما اندونزی در دوران معاصر به گونه‌ای نیست که دین در حیات سیاسی آن آمیخته شده باشد بلکه اسلام تنها به ابعاد فردی و عبادی آن محدود شده است. دلیل آن این است که قانون اساسی آن در سال ۱۹۵۹ بر پایه پنج اصل^۲ اساسی «پانچاسیلا» (مظفری، پیشین، ص ۵۰) تنظیم شده است.

۱- مطابق آمار سال ۱۹۸۸، این رقم ۸۸٪ با جمعیت کل ۱۷۷/۴ میلیون نفر است؛ ر.ک: شیخی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۹.

۲- این اصول پنج‌گانه، شامل اعتقاد به خدای واحد، انسانیت، وحدت ملی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است که نوعی توهین به مسلمانان تلقی می‌شود. همان‌گونه که سوکارنو گفته بود مراد آنان از اعتقاد به خدای واحد این بود که نه تنها مردم اندونزی باید به خدا معتقد باشند بلکه هر فرد اندونزیایی می‌بایست به خدای خویش اعتقاد داشته باشد. باید مسیحیان خدا را بر اساس تعالیم عیسی مسیح و مسلمانان طبق آموزش‌های پیامبر خود و بودائی‌ان نیز مراسم مذهبی خود را مطابق با کتابشان برگزار کنند.

اندونزی به دنبال پیروی از الگوی جداسازی کلیسا از سیاست در غرب جامعه‌ای را شکل داده است که دارای حیات سیاسی غیرمذهبی است.

البته عده‌ای طرفدار حکومت اسلامی هستند و تلفیق اسلام با سیاست را دنبال می‌کنند و چنین استدلال می‌نمایند که این دین دارای یک ویژگی اساسی است که نمی‌گذارد جامعه اسلامی به جامعه تئوکرات بدل شود، زیرا در اسلام رهبانیت وجود ندارد و جامعه اسلامی جامعه‌ای است که به تحقق یافتن تعالیم اساسی اسلام به خاطر نفع کل جامعه توجه دارد. اما همین طرفداران در باب روش‌های پیاده کردن مفاهیم عقیدتی نظرات مختلفی دارند؛ برخی معتقدند برای پیاده کردن تعالیم اساسی لازم است ابتدا انسان قدرت را به دست گیرد و برخی دیگر عقیده دارند باید به گسترش تعالیم اسلام و تشدید احساسات مذهبی افراد در داخل جامعه تقدم داد.

آن‌چه در حال حاضر جریان دارد این است که آزادی فردی را به رسمیت می‌شناسند و سؤال‌های مربوط به مذهب را به وجدان خود فرد واگذار می‌کنند و احزاب اسلامی اندونزی نظریه صلح‌آمیز و دموکراتیک را ترجیح می‌دهند. (نوئر، ۱۳۷۰، ص ۱۶).

با توجه به این زمینه، می‌توان گفت اندونزی دارای جریان‌های فکری زیادی بوده است که می‌توان موارد ذیل را تا دوران سوکارنو نام برد:

۱- تجددخواهی

از اواخر قرن ۱۹ حکومت گسترده هلندی‌ها و ادغام شدن در سیستم اقتصادی دنیای غرب، استقرار روش‌های دیوان‌سالاری غربی، ترویج تفکر جدید و عقایدی مثل ناسیونالیسم و مفهوم دولت سکولار و انتشار و تبلیغ مسیحیت و پیدایش تحصیل‌کردگان جدید، به شکل‌گیری جریان تجدد متأثر از فرهنگ غرب و تمدن غربی در اندونزی منجر شد. (موثقی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۱).

در میان تجددخواهان به ویژه از کمونیست‌ها باید نام برد که در اثر رکود تجارت در سال ۱۹۲۰م نهضتی زیرزمینی به راه انداختند و قیام سال‌های ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷ را شکل دادند. (پیشین، ص ۳۴۲). هر چند این قیام‌ها سرکوب شد، ولی باز در دوران استقلال فعال گردید و بار دیگر به شکست انجامید.

۲- ملی‌گرایی

دسته دیگر از متجددان^۱ و روشن‌فکران تحصیل‌کرده اروپا تحت تأثیر تعلیم و تربیت جدید اروپایی و تفکر مبتنی بر دموکراسی سیاسی و اجتماعی و انقلاب‌های آمریکا، اروپا و فرانسه، عقاید

۱- جهت مطالعه بیشتر ر.ک: مارسل بوازار (ترجمه. د. م. ی)، ص ۴۸.

دینی خود را کنار گذاشته و الگوهای غربی را برای جوامع عقب‌مانده خود خواستار بودند. عده‌ای از اینان به تدریج از سال ۱۹۳۰م به دلیل عملکردهای خشن و غیرانسانی استعمارگران هلندی و پس از آن‌که ژاپن در طی جنگ جهانی دوم اندونزی را اشغال کرد (نوئر، پیشین، ص ۳۷) وارد جهت‌گیری‌های ملی و میهنی شدند و همراه با ناسیونالیست‌ها به رهبری افرادی همانند سوکارنو و محمد حتی در پیوند با گروه‌ها و سازمان‌های اسلامی و جریان اصلاح‌طلبی دینی برای استقلال کشور تلاش کردند.

جامعه اندونزی از عقب‌ماندگی و فقر رنج می‌برد تا این‌که مردم با تکیه بر اسلام و هویت فرهنگی و دینی خود به وحدت رسیده و اسلام عامل نجات آنان از عقب‌ماندگی و اصلاح اجتماعی شد. مردم با بازخیزی مجدد، جنبش‌هایی را جهت حل مشکلات خود به وجود آوردند. هر چند اسلام در اندونزی با آداب و رسوم محلی اعم از هندویی و بودایی و صوفیانه آمیخته شد و گرچه در پاره‌ای از موارد به آداب مذهبی اعتنا نمی‌شد ولی مردم به طور عمیق به اسلام و باورهای دینی خود پای‌بند و مؤمن بودند. (مازندرانی، ۱۳۴۵، ص ۷۹).

۳- اصلاح‌طلبی دینی

با توجه به جریان اصلاح‌طلبی در جهان اسلام و جنبش‌های اصلاحی، جریان اصلاح‌طلبی دینی اندونزی نیز شکل گرفت و گروه‌های مختلفی مثل: متجددان، غرب‌گرایان، ناسیونالیست‌ها، کمونیست‌ها، اصلاح‌طلبان، بنیادگرایان، محافظه‌کاران و سنت‌گرایان در مقابل یا در کنار هم قرار گرفتند.

علاوه بر اینها، به دلیل ارتباط و آشنایی طلاب و روحانیون اندونزی با افکار اصلاح‌طلبان مسلمان^۱ در کشورهایی مانند مصر، هند و شمال آفریقا، جریان اصلاح دینی دست‌مایه اصلی بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها و جنبش‌های اسلامی در این کشور بود و اهداف و نظریات اصلاحی شخصیت‌هایی مثل سید جمال، عبده، رشید رضا و حسن البنا (اسپوزیتو، جان، ال، ۱۳۸۲، ص ۲۴۹) و دیگر

۱- افکار اصلاح‌طلبی اختلاف شدیدی میان گروه‌های اسلامی ایجاد نمود که بعدها به دخالت هلند انجامید. آنان پیروی از شریعت و تهذیب دینی را توسعه بخشیده و به انضباط در نماز و تحریم قمار و خروس‌بازی و اجتناب از مواد مخدر و مشروبات الکلی، دزدی و خشونت حکم می‌کردند. آنان هم‌چنین مردم را به شیوه زندگی اسلامی مطابق با تعالیم پیامبر ﷺ دعوت می‌کردند و اعمال روستائیان را خرافی دانسته و با آن مخالفت می‌کردند و حتی به شیوه مسلحانه متوسل شده تا مردم را به شریعت دعوت کنند؛ جهت مطالعه بیشتر ر.ک: لاپیدوس، ۱۳۸۱، ص ۶۲۰.

رهبران اخوان‌المسلمین مثل سید قطب و اقبال و رهبران جنبش سنوسی بر افکار و اهداف آنان حاکم بود. (مازندرانی، پیشین، ص ۸۰).

زوال و فروپاشی دولت عثمانی در برابر امپریالیسم اروپایی باعث ایجاد عکس‌العمل‌هایی اصلاح‌طلبانه در جهان اسلام در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم گردید. عامل برجسته این جنبش روشن‌فکری جمال‌الدین اسدآبادی بود که هم‌بستگی سراسری اسلامی و مقاومت در برابر امپریالیسم اروپایی را از طریق بازگشت به اسلام دارای ویژگی‌های علمی جدید تبلیغ می‌کرد. شاگرد و مرید او، محمد عبده مصری بر عقل‌گرایی ذاتی سنت اسلامی تأکید نمود تا توانمندی نوگرایانه آن را نشان دهد. این اساس و جوهره جنبش سلفیه تحت رهبری محمد عبده و شاگرد سوری او رشید رضا بود. پس از مرگ عبده در سال ۱۹۰۵، جنبش سلفیه به مدرنیزه کردن حقوق اسلامی بر اساس قرآن و سنت دست زد. با وجود این، سلفیه به صورت فزاینده‌ای شکل محافظه‌کارانه به خود گرفت.

در اواسط دهه ۱۹۳۰ فعال‌گرایی میانه‌روانه رشید رضا جای خود را به رادیکالیسم اخوان‌المسلمین تحت رهبری حسن‌البنا داد و در آشفتگی سیاسی و تضاد اجتماعی، اقتصادی و امپریالیسم اروپایی، ظهور جریان‌های ضد اسلامی شدت گرفت (دکمجیان، ۱۳۷۷، ص ۴۹). این نحوه اصلاح‌طلبی در اندونزی را می‌توان به اصلاح‌طلبی مسلمانان تعبیر کرد که با اصلاح‌طلبی اسلامی متفاوت است و در ادامه مطالب از آن به بنیادگرایی یاد می‌شود.

۴- سنت‌گرایی

با توجه به شیوع جریان اصلاح‌طلبی و تفکرات تجددگرایی عده‌ای دیگر از اندونزیایی‌ها که خواهان تغییرات اساسی در اندیشه دینی و مسایل سیاسی و اجتماعی بودند، به انتشار تفکرات خود در خصوص حفظ ارزش‌ها و اصالت‌های دینی اصیل که ناشی از برداشت‌های آنان از قرآن و حدیث و سایر منابع اسلامی بود، پرداختند. آنان با جدّیت به دنبال شریعت اسلامی بودند (لاپیدوس، پیشین، ص ۱۰۶۱ و هوکر، ۱۳۷۱، ص ۲۰۹) و به نفوذ اسلام در حکومت و تشکیل پارلمانی متشکل از مسلمانان اهمیت می‌دادند.

۵- بنیادگرایی

از جمله تفکرات موجود در اندونزی تا زمان سوکارنو که پیروانی را جذب نمود، اندیشه بنیادگرایی بود.

این تفکر از نظریه‌پردازان اسلام‌گرای معاصر سرچشمه گرفته که به قرآن و تفاسیر و مجموعه‌های احادیث گردآوری شده توسط نویسندگان قرن دوم و سوم اسلامی تکیه می‌کنند. این جریان تفکر اسلامی از منابع حدیثی از جمله کتاب‌های بخاری، مسلم بن حجاج، ابوداود، ترمذی، ابن ماجه و نسایی و از مشایخ و روحانیونی از قبیل ابویوسف الرشید و قاضی القضاة هارون الرشید و شاگرد ابوحنیفه و مالک بن انس بهره‌مند است. (دکمجیان، پیشین، ص ۷۶).

تفکر بنیادگرایی در مذهب اهل سنت به وسیله گروهی متفکر فعال مطرح شد که به دنبال تئوری و عمل سیاسی بودند. این گروه شامل احمد بن حنبل (۲۴۱-۱۶۴ق)، ابن سلامه (م ۱۰۳۲)، ابن خرم (۴۵۶-۳۷۴ق)، قاضی موسی عیاض (م ۱۱۴۹)، ابن تیمیه (۷۲۸-۶۶۱ق)، ابن قیم (۷۵۱-۶۹۱ق)، ابن کثیر (م ۱۳۷۳) و محمد بن عبد الوهاب (م ۱۷۹۲) (پیشین، ص ۷۷) می‌باشد.

البته تفکر بنیادگرایی در اندونزی را در قالب‌های سلفی‌گری و اصلاح‌طلبی اسلامی افراطی می‌توان گنجاند که رفته‌رفته مردم اندونزی به علت تفکر سخت‌گیرانه آنان به سمت اصلاح‌طلبی اخوان‌المسلمین گرایش پیدا کردند.

از مجموع آن‌چه گفته شد این نتیجه به دست می‌آید که زمینه‌های فکری جنبش‌های اسلامی در اندونزی متفاوت است. تنها منبع مورد اطمینان عده‌ای تجددخواه، قرآن و احادیث است. آنها با تمام اندیشه‌های دیگر مخالف‌اند. عده‌ای دیگر، از اصلاح‌طلبی دینی حمایت می‌کنند که به دنبال اندیشه‌های رهبران اخوان‌المسلمین بوده و خواهان هم‌بستگی سراسری اسلامی و مقاومت در برابر امپریالیسم اروپایی از طریق بازگشت به اسلام هستند. عده‌ای دیگر مدعی سنت‌گرایی بوده و علاوه بر منبع قرآن و حدیث، به سایر منابع اسلامی نیز رجوع کرده و به توسعه اسلام می‌اندیشند. در نهایت نیز عده‌ای با تفکرات بنیادگرایانه که از اندیشه‌های ابن تیمیه و وهابیت است در صدد عملی کردن اسلام در تمام شئون فردی و اجتماعی‌اند.

اکنون مسلمانان برای تبیین بعد مذهبی و ایدئولوژیک جامعه اندونزی در تلاش بوده و سعی می‌کنند از طریق وزارت دین به اجرای سیاست‌های اسلامی بپردازند.

اما سیاست‌مداران مسلمان تمایل دارند اهداف عقیدتی را کنار بگذارند و همانند بسیاری از گروه‌های دیگر در یک نظام سیاسی کثرت‌گرا فعالیت کنند. اسلام برای این سیاست‌مداران که به کارهای تجاری نیز مشغول هستند، تنها یک عامل هویت محسوب می‌شود. از سوی دیگر، روشن-فکران نیز به دنبال جدا دانستن ارزش‌های دنیوی از معنوی بوده و شکل جدیدی از مدرنیسم اسلامی را دنبال می‌کنند.

از جمله جریان‌های فکری که به دنبال این نوع از نوگرایی است، گروه‌های دانشجویی هستند که با نام «انجمن دانشجویان اندونزی» (Indonesian Student's Association) مشهورند. آنان طبق منشور سال ۱۹۷۱م غیر مذهبی شدن جامعه و فردی بودن دین اسلام را پذیرفتند و سخنگوی اصلی این انجمن نورخالص مجید (Nurcholish Madjid) است. (لاپیدوس، پیشین، ص ۲۸۰).

وی در جریان روشن‌فکری دینی پا در رکاب سنت داشت و نمی‌خواست همه آن‌چه را که در گذشته بود، نفی کند؛ برخلاف سلفی‌ها که می‌گفتند به اصل برگردیم. از طرفی دیگر، وی نسبت به واقعیت‌های موجود جهان اسلام بسیار حساس بود، از این رو توانست یک اسلام لیبرال معتدل‌تر از اسلام افرادی مثل اولی‌البصائر - که ادامه‌دهندگان راه مجید بودند ولی افراطی‌تر عمل می‌کردند - طراحی کند. (در گفتگو با دکتر علمی‌استاد کالج اسلامی جاکارتای اندونزی).

نورخالص مجید از اثرگذارترین روشن‌فکران مردمی است که در دانشگاه شیکاگو شاگرد فضل‌الرحمان بود. در ایالات متحده چند تن از دانشجویان فضل‌الرحمان از جمله نورخالص مجید با پی‌گیری اندیشه‌های او کوشیدند زمینه‌های خاصی از مضامین اخلاقی - فقهی قرآن را دوباره تفسیر کنند. فضل‌الرحمان بیش از هر چیز خود را در قبال سنت اسلامی متعهد می‌دید و رسالت اصلی‌اش را تبیین این سنت برای مخاطبان گسترده مسلمان می‌دانست. (سعید، مهر ۱۳۸۵، ص ۷۲).

نورخالص مجید معتقد بود «امور دنیوی طبق قوانین الهی تنظیم نمی‌شود. قرآن از نظر متفکرانی با این روحیه، الهام‌بخش و برانگیزاننده رفتار است، ولی قوانین دقیقی برای نظم دادن به زندگی روزمره ارائه نمی‌کند.» (لاپیدوس، پیشین، ص ۲۸۰).

وی اسلام را به جای نظامی سیاسی و جمعی، مجموعه‌ای از اعتقادات فردی و شخصی به شمار آورده و بر همکاری با گروه‌های غیر اسلامی و غربی تأکید می‌کرد. سایر دانشجویان نیز بر همین عقیده بودند و بر نوعی از نوگرایی اسلامی با جهت‌گیری سکولاریستی تأکید می‌کردند. اما در سال ۱۹۸۱م رژیم نظامی سوهارتو موجب دگرگونی و ایجاد تغییرات در انجمن دانشجویان شد. این انجمن برای ابراز مخالفت خود با حاکمیت اقتدارگرا و ایدئولوژی پانچاسیلا، بار دیگر اسلام را هم به عنوان دین فردی و شخصی و هم به مثابه نظامی سیاسی و اجتماعی تلقی کرد. (پیشین، ص ۲۸۱).

جریان فکری نورخالص مجید که به گونه‌ای بر روشن‌فکری تأکید می‌کند، از حرکت‌های مهم و فعال اندونزی است که در صدد حذف کردن دین از عرصه‌های اجتماعی و سیاسی است و اگرچه تحولاتی در آن پیدا شده ولی این تحولات نسبت به جریان فکری محمدیه و نهضت‌العلماء کم‌رنگ‌تر است و در مواقعی مورد مخالفت گروه‌های سنت‌گرا و اصلاح‌طلب قرار می‌گیرد.

۶- لیبرالیسم

اسلام لیبرال از جمله حرکت‌هایی بود که عده‌ای در اندونزی به دنبال آن بودند. این جریان در چالش با گروه‌های مسلمان دیگر قرار داشت. عبدالرحمن وحید اولین رئیس‌جمهور اندونزی بعد از سوهارتو است که از گروه مسلمانان سنت‌گرا و جزء رهبران نهضت‌العلماء می‌باشد. وی از حامیان اسلام لیبرال در اندونزی است. چهره‌های دیگر که اخیراً از این نوع اندیشه حمایت می‌کنند «اولی‌الابصار» نام دارد که دیدگاه افراطی و تندی نسبت به قرآن مطرح می‌کند.

اولی‌الابصار تحصیل کرده آمریکا است و خیلی آزاد فکر می‌کند و موضوعات مختلف اسلامی را با تصرفاتی در فهم معانی قرآن مطرح می‌نماید؛ مثلاً اخوت اسلامی را به اخوت انسانی تعبیر کرده و گفته است که ما باید جامعه بین‌المللی و جهان وطنی درست کنیم. به هر حال این تفکر از جنبه رادیکالی فراتر رفته و به طرف لیبرالی سیر می‌کند. (در گفت‌وگو با دکتر علمی).

این نوع تفکر، با اندیشه گروه‌های مسلمان دیگر اندونزی تعارض زیادی دارد؛ مسلمانانی که بر فروع دین بسیار تأکید کرده و خواستار ابطال مقرراتی هستند که مانع ترویج اسلام می‌باشد و یا اصلاح‌طلبانی که مدعی هستند باید به اصل دین برگردیم و این برداشت‌های جدید را کنار بگذاریم زیرا این مسایل ما را از سنت سلف باز داشته است.

البته تفکر نورخالص مجید و دیگر روشن‌فکران در دانشگاه پارامدرینه اندونزی رواج داشته و بسیار فعال است. نکته ضعف آنان این است که روش و متد عقلانی ندارند و اگر کسی با آنان به صورت روشمند بحث کند، با دقت به سخنان او گوش فرا داده و در نقد آن عاجزند.

منابع و مآخذ

۱. اسپوزیتو، جان، ال، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، انتشارات باز، تهران، ۱۳۸۲.
۲. برنارد، ولک، *تاریخ اندونزی*، ترجمه ابوالفضل علیزاده طباطبایی، پژوهشگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴.
۳. جاویدفر، جعفر، *دایرة‌المعارف جغرافیایی جهان*، جلد اول: آسیا، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، تهران، بی‌تا.

۱- جهت مطالعه بیشتر ر. ک: فوندر مهدن فردر، ۱۳۷۸، ص ۱۹۶.

۴. دکمجان، هرایر، *اسلام در انقلاب جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب* (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی)، ترجمه حمید احمدی، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۷۷.
۵. سعید، عبدالله، *فضل‌الرحمان و اندیشه‌های وی در باب فهم و تفسیر قرآن*، ترجمه مهرداد عباسی، فصل‌نامه مدرسه (فرهنگی، فلسفی)، سال دوم، شماره چهارم، مهر ۱۳۸۵.
۶. شیخی، محمدتقی، *جامعه‌شناسی جهان سوم*، انتشارات اشراقی، تهران، ۱۳۶۹.
۷. فوندر مهدن فردر، *دو دنیای اسلام، روابط جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه*، ترجمه محمود اسماعیل‌نیا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران، ۱۳۷۸.
۸. کاست بید ترنتون و ریچارد تامن، *جغرافیای عمومی جهان، مناطق مهم جغرافیایی*، ترجمه ابوطالب صارمی، انتشارات فرانکین، تهران، ۱۳۴۰.
۹. لاپیدوس. ایرام، *تاریخ جوامع اسلامی*، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ج ۱، ۱۳۷۶.
۱۰. لاپیدوس. ایرام، *تاریخ جوامع اسلامی، قرون نوزدهم و بیستم*، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ج ۲، ۱۳۷۶.
۱۱. مارسل بوزار، *اسلام در جهان امروز*، ترجمه. د. م. ی، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۰.
۱۲. مازندرانی، ع. وحید، *سرزمین هزاران جزیره جمهوری اندونزی*، انتشارات دهخدا، تهران، ۱۳۴۵.
۱۳. مظفری، محمدرضا، *اندونزی*، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۲.
۱۴. موثقی، سید احمد، *جنبش‌های اسلامی معاصر*، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۸.
۱۵. موحد، محمدعلی، *سفرنامه ابن بطوطه*، انتشارات سپهر نقش، تهران، ج ۲، ۱۳۷۶.
۱۶. موسوی بجنوردی، کاظم، *دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی*، مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ج ۱۰، ۱۳۸۰.
۱۷. نوثر، دلیار، *نهضت‌های نوین اسلامی در اندونزی*، ترجمه ایرج رزاقی، محمد مهدی حیدرپور، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰.
۱۸. هوکر، ام. بی، *اسلام در جنوب شرقی آسیا*، ترجمه محمدمهدی حیدرپور، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱.

۱۹. یآوری، فرامرز، شناسایی کشورهای آسیا، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران، ۱۳۷۲.

20. Laoust Henri.(1979) Linfluence d Ibn Taymyya in Islam. Past Influence and Present challenge. Alford T. welch and Pierre cachia eds. (Edinburgh: Edinburgh university)

چکیده

نگاهی به اندیشه وحدت‌گرایی اقبال لاهوری در اشعار فارسی

بشیر احمد بت^۱

چکیده

یکی از دغدغه‌های دیرینه متفکران اسلامی، از جمله اقبال لاهوری، اتحاد اسلامی بوده است. آثار ادبی اقبال لاهوری به دو زبان اردو و فارسی سرشار از پیام حیات‌بخش اتحاد اسلامی می‌باشد. در این مقاله سعی شده است معیار و ارکان اساسی اتحاد اسلامی که در اشعار فارسی وی درخشش خاصی پیدا کرده است، معرفی و تأثیر آن در اتحاد و انسجام امت اسلامی تبیین گردد. بنابراین ضمن پرداختن به ضرورت و قلمروی اتحاد، به محورهایی هم‌چون، توحید، نبوت، قرآن و کعبه مکرمه نیز اشاره می‌شود.

واژگان کلیدی: توحید، نبوت، اتحاد، آئین، انسجام اسلامی.

مقدمه

اقبال لاهوری در سال ۱۸۷۷ میلادی در شهر سیالکوت (پاکستان فعلی) به دنیا آمد. عصری که اقبال در آن دیده به جهان گشود عصر سلطه استعمار جهانی بر کشورهای مختلف، به ویژه شبه قاره هند، بود؛ عصری که عالم اسلام به ویژه امپراطوری بزرگ اسلامی (به نام امپراطوری عثمانی) رو به افول بوده و آخرین مرحله حیات خویش را به سر می‌برد. اقبال مشاهده می‌کرد که چطور استعمار کهن پیکر امت مسلمان را پاره پاره می‌کند. وی در عصری به سر می‌برد که مسلمانان همه عظمت و کرامت خویش را از دست داده بودند. از بین رفتن عظمت و شوکت اسلام و مسلمین دردی بود که اقبال در پی درمان آن بود. دغدغه اساسی اقبال لاهوری بازگشت مسلمانان به اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و وحدت فراگیر آنان بود. وی علاوه بر این که یک فیلسوف و متفکر اسلامی به شمار می‌رفت، یک شاعر متعهد تمام‌عیار مسلمان نیز بود؛ شاعری وحدت‌گرا و احیاگر که تمام تلاش و هم

۱- دانش‌پژوه سطح چهار جامعه المصطفی العالمیه.